



فهرست آزمون

۱۸ آبان ماه ۹۷

ردیف	مواد امتحانی	صفحه‌ی
۱	فارسی و نگارش (۲)	۳
۲	فارسی و نگارش (۲) (شاهد دگوله)	۴
۳	عربی زبان قدرآن (۲)	۵
۴	عربی زبان قدرآن (۲) (شاهد دگوله)	۶
۵	دین و زندگی (۲)	۷
۶	زبان انگلیسی (۲)	۸
۷	ریاضی و آمار (۲)	۱۰
۸	ریاضی و آمار (۲) (شاهد دگوله)	۱۱
۹	علوم و فنون ادبی (۲)	۱۳
۱۰	تاریخ (۲)	۱۴
۱۱	چهارفای (۲)	۱۵
۱۲	جامعه‌شناسی (۲)	۱۶
۱۳	جامعه‌شناسی (۲) (شاهد دگوله)	۱۷
۱۴	فلسفه	۱۸
۱۵	روان‌شناسی	۱۹

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (دفتر نام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - تلفن چهار رقمی ۶۴۶۳-۰۲۱ داخلی ۱۶۵

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

فارسی و نگارش (۲)

-۱

(حسن و سگری - ساری)

فقط در گزینه «۳»، «محبوب» به معنی «باشرم، باحیا» آمده است. در گزینه‌های دیگر «محبوب» به معنای «پنهان، مستور» به کار رفته است.

(فارسی ۲، لغت، صفحه ۱۸)

-۲

(سعید گنج‌بفش زمانی)

معنای واژه‌های نادرست:

دون همت: کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه / توقیع: امضا کردن فرمان، مهر کردن نامه و فرمان / روضه: باغ، گلزار / شبگیر: سحرگاه، پیش از صبح / کران: ساحل، کنار / وعظ: اندرز، پنددادن

(فارسی ۲، لغت، واژه‌نامه)

-۳

(الهام مومری)

گزینه «۱»: نواهی ← نواحی / گزینه «۲»: برخواستند ← برخاستند / گزینه «۳»: گزارده ← گزارده

(فارسی ۲، املا، صفحه‌های ۲۰ و ۲۹)

-۴

(مرتضی منشاری - اردبیل)

«خسته شد» در گزینه «۴» فعل مجهول است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: جمله‌های هر دو مصراع سه جزئی گذرا به مسند هستند و «نهان» و «عیان» مسندهای جمله‌ها می‌باشند.

گزینه «۲»: «خسته شد» و «خسته می‌شود» سه جزئی با مسند هستند و «خسته» مسند جمله‌ها است.

گزینه «۳»: «سرگشته و حیران» در مصراع اول و «مقیم» در مصراع دوم مسند هستند.

(فارسی ۲، زبان فارسی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

-۵

(مریم شمیرانی)

«دیگر» در مصراع اول بیت گزینه «۱»، ضمیر مبهم است و در گزینه‌های دیگر، صفت مبهم است.

(فارسی ۲، زبان فارسی، صفحه ۱۴)

-۶

(الهام مومری)

«فرهاد و شیرین» از «وحشی بافقی» است.

توجه: «خسرو و شیرین» اثر نظامی است.

(فارسی ۲، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۰)

-۷

(مریم شمیرانی)

در این بیت «تضاد» به کار نرفته است.

گزینه «۱»: تشبیه «حباب‌وار» / گزینه «۲»: «عالم» مجاز از «اهل عالم»

گزینه «۴»: شنیدن بو: حس آمیزی

(فارسی ۲، آرایه، ترکیبی)

-۸

(مریم شمیرانی)

پیام مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه «۳»، چنان زیستنی است که نام نیک از انسان به جا بگذارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: از مردم دوری کن. / گزینه «۲»: مراقب باش تو را نفریبد. / گزینه «۴»: نیاز سپاهیان را برآورده کن.

(فارسی ۲، مفهوم، صفحه ۳۶)

-۹

(مریم شمیرانی)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۱»، «زندگی پس از مرگ» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: غمگین بودن از مرگ دوست / گزینه «۳»: مرگ خوابی سنگین پس از زندگی است. / گزینه «۴»: در انتظار یار حتی پس از مرگ

(فارسی ۲، مفهوم، صفحه ۳۵)

-۱۰

(کاترم کاطمی)

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» نکوهش تقلید است، اما در بیت گزینه «۴»، شاعر تقلید نوجوانان از پیران را برای آن‌ها شادی‌بخش می‌داند.

(فارسی ۲، مفهوم، مشابه صفحه ۲۴)

فارسی و نگارش (۲) (شاهد «گواه»)

-۱۱

(کتاب جامع - با تغییر)

واژه‌هایی که غلط معنی شده‌اند:

پیشگاه: درگاه، آستانه / طعن: سرزنش کردن / دوش: دیشب

(فارسی ۲، لغت، واژه‌نامه)

-۱۲

(کتاب جامع)

غلط‌های املائی سایر ابیات و شکل درست آن‌ها:

گزینه «۱»: خواست ← خاست

گزینه «۳»: مستهفان ← مستحقان

گزینه «۴»: سرصام ← سرسام

(فارسی ۲، املا، ترکیبی)

-۱۳

(کتاب جامع، با تغییر)

گزینه «۱»: لطف کن لطف (تکرار) / گزینه «۳»: تو خود ... (بدل) / گزینه «۴»:

قبیله‌ها همه عاشق ... (بدل)

(فارسی ۲، زبان فارسی، صفحه ۳۴)

-۱۴

(کتاب جامع - با تغییر)

تمام زوج واژه‌های گزینه «۱» با هم رابطه معنایی «تناسب» دارند.

تشریح دیگر گزینه‌ها

گزینه «۲»: عقد و مخنقه: ترادف / شراع و خیمه: ترادف / بازان و یوزان: تناسب /

همایون و نیک‌بخت: ترادف

گزینه «۳»: زیر و زبر: تضاد / پوست و گوشت: تناسب / دبیر و قلم: تناسب / رخت و

جامه: ترادف

گزینه «۴»: غزو و شمشیر: تناسب / صعب و سهل: تضاد / ناو و رود: تناسب / کوشک و

پادشاه: تناسب

(فارسی ۲، زبان فارسی، صفحه ۱۴)

-۱۵

(کتاب جامع)

واژگان گزینه «۲»، همه، ترکیب اضافی هستند.

در گزینه «۱» مشایخ فراوان، اشعار غم‌انگیز، در گزینه «۳»، شهر پرغوغا و عالی‌ترین

آثار و در گزینه «۴»، کتاب گران‌بها ترکیب وصفی هستند.

تکته: نقش صفت هیچ‌گاه نشانه‌ی جمع نمی‌پذیرد.

(فارسی ۲، زبان فارسی، مشابه صفحه ۳۴)

-۱۶

(کتاب جامع)

«نان» در بیت گزینه «۳» در معنای حقیقی و معمول آن به کار رفته است: اما در سایر ابیات مجازاً به معنای «رزق و روزی و خوردنی» آمده است.

(فارسی ۲، آرایه، صفحه ۲۲)

-۱۷

(کتاب جامع)

در بیت صورت سؤال می‌خوانیم: «تا زمانی که ماه، مشتری حلقه‌ی گوش شما باشد، مشتری غلام حلقه در گوش شما خواهد بود.»

«مشتری» نخست یعنی «خریدار» و «مشتری» دوم نام سیاره است. پس جناس تام دارد. / بیت به وضوح شخصیت‌بخشی دارد و شخصیت‌بخشی، خود استعاره است. / مراعات‌نظیر بین «مه» و «مشتری» دوم دیده می‌شود. / «غلام حلقه‌به‌گوش بودن» کنایه است.

(فارسی ۲، آرایه، ترکیبی)

-۱۸

(کتاب جامع)

مفهوم محوری ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» توصیه به قناعت‌پیشگی است اما در بیت گزینه «۲» عکس آن، بیان شده است.

(فارسی ۲، مفهوم، مشابه صفحه ۲۰)

-۱۹

(کتاب جامع)

مفهوم هر دو بیت به سخن مشهور (کَلَّ شَيْءٌ يَرْجِعُ اِلَى اَصْلِهِ) اشاره دارند: هر چیزی سرانجام به اصل و ریشه خویش باز می‌گردد که منظور از آن، بازگشت به عالم معنا و به سوی خداست.

(فارسی ۲، مفهوم، صفحه ۳۲)

-۲۰

(کتاب جامع)

عطار دید که در وجود مولانا سوزی است که عالم را به آتش می‌کشد و این مفهوم در گزینه «۴» نیز دیده می‌شود.

(فارسی ۲، مفهوم، صفحه ۲۹)

عربی (زبان قرآن (۲))

-۲۱

(مبیر همایی، ترجمه، صفحه‌ی ۳)

هؤلاء الأصدقاء: این دوستان / لا يتكبرون: تکبر نمی‌ورزند / لا يرفعون: بالا نمی‌برند / أصواتهم: صداهای خود را / فوق أصوات المخاطبين: بالای صداهای مخاطبان

-۲۲

(رضا معصومی، ترجمه، صفحه‌های ۷، ۸، ۱۰ و ۱۴)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: (ای مؤمن، به‌سوی بهترین کار بشتاب!) صحیح است.

گزینه‌ی «۳»: (آن، مغازه همکار بزرگ من است!) صحیح است.

گزینه‌ی «۴»: (دشمنی عاقل، بهتر از دوستی جاهل است!) صحیح است.

-۲۳

(رضا معصومی، ترجمه، صفحه‌ی ۸)

ترجمه صحیح عبارت گزینه‌ی «۲»: «هر که شهوتش بر عقلش چیره شود (غلبه پیدا کند)، او بدتر از چارپایان است!»

توضیح تکات درسی:

هرگاه پس از اسم تفضیل حرف جرّ «من» بیاید، معنای «برتری» دارد: «شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ» بدتر از چارپایان

-۲۴

(سعیر معفری، تعریب، صفحه‌ی ۲)

پدرم: «والدی، اَبی» / همیشه: «دائماً» / خواهرم: «أختی» / یادگیری: «تعلّم» / هنرهای سودمند: «الفنون النّافعة» / راهنمایی کرده است: «قد أرشد»

-۲۵

(درویشعلی ابراهیمی، مفهوم، ترکیبی)

مفهوم بیت دربار‌ی (به تأخیر نینداختن لذّت امروز به امید فردا) است ولی گزینه‌های «۲» و «۳» و «۴» از نظر مفهوم راجع به امانت‌داری و اهمیت دادن به امانت است.

-۲۶

(درویشعلی ابراهیمی، لغت، صفحه‌ی ۱۱)

دو کلمه‌ی (سابق - شاتم) هر دو به یک معنی هستند و مترادف‌اند و معنای آن‌ها (دشنامگویی) است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «دو فعل (أرضی = خشنود کرد) و (أسخطَ = خشمگین کرد) مترادف نیستند. گزینه‌ی «۲»: دو فعل (عاقباً = سرزنش کن) و (عاقباً = کفر بده) نیز مترادف نیستند. گزینه‌ی «۴»: دو اسم (السّيء = بد - زشت) با (السّوء = بدی - زشتی) نیز مترادف نیستند.

-۲۷

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، لغت و مفهوم، صفحه‌ی ۲)

«با تکبّر رویت را برای مردم برنگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو.» آیه ما را از خودپسندی باز می‌دارد. (العُجْب: خودپسندی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: سرعت در راه رفتن

گزینه‌ی «۳»: اسراف کردن

گزینه‌ی «۴»: خیانت کردن

-۲۸

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، لغت و مفهوم، صفحه‌های ۲، ۱۰ و ۱۱)

قیمت‌ها گران است، بعد از تخفیف (تَخْفِيف) به من با قیمتی ارزان‌تر بده. (مُخْتَال: خودپسند، نادرست است.)

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: در مصرف برق میانه‌روی کنید تا هر (هیچ) مکانی در تاریکی نباشد.

گزینه‌ی «۲»: دشنام‌گویی خود را خوارِ رها کن تا خدای بخشناننده را خشنود کنی.

گزینه‌ی «۴»: همانا زشت‌ترین صداهای خدای خران است.

-۲۹

(سعیر معفری، لغت، ترکیبی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: أَرَادَ: جمع التکسیر لـ «أَرَادَ»

گزینه‌ی «۳»: زَمَلَاءُ: جمع التکسیر لـ «زَمِيلٌ»

گزینه‌ی «۴»: تَمَازَجٌ: جمع التکسیر لـ «نَمُوذَجٌ»

-۳۰

(مبیر همایی، مقاله، صفحه‌ی ۱۰)

سؤال: قیمت این پیراهن زنانه چند است؟ پاسخ: شصت هزار تومان.

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: چند رنگ از شلوارها دارید؟

گزینه‌ی «۲»: آیا قیمت‌های این پیراهن‌های زنانه گران است؟

گزینه‌ی «۴»: چند پیراهن در مغازه دوستم هست؟



عربی زبان قرآن (۲) (شاهد «گواه»)

ترجمه‌ی متن درک مطلب:

در روزی از روزها دو جوان، مرد سالخورده خمیده‌پشتی را دیدند که دو دست زیر داشت و برای راه رفتن از یک عصای چوبی کمک می‌گرفت. ظاهرش نشان از این داشت که در زندگی خویش سختی‌های بسیاری را تاب آورده است. یکی از دو جوان گفت: به او بنگر، کاملاً مانند یک کمان است! دوستش گفت: دیگران را ریشخند نکن، این کرداری زشت است! ولی او آگاه نشد، پس از وی پرسید: ای پیرمرد! این کمان را به چند خریدی؟ او با بزرگواری به وی نگریست و به آرامی گفت: فرزندم اگر زندگی کنی بدون بها آن را می‌گیری! جوان شگفت‌زده شد و از دوست خود پرسید منظورش چیست؟ پاسخ داد: بهتر برایت این است که خودت خوب در آن بیندیشی، شاید باعث عبرتت شود!

-۳۱

(کتاب جامع، درک مطلب، ترکیبی)

صورت سؤال بی‌تی را می‌خواهد که بیش‌تر به مفهوم متن مرتبط باشد، از آن‌جا که رفتار جوان تمسخر کننده، تکبرآمیز بود، گزینه‌ی «۱» مناسب مفهوم این متن است.

-۳۲

(کتاب جامع، درک مطلب، ترکیبی)

«یکی از دو دوست کردار دوستش را زشت شمرد!»

ترجمه‌ی گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی «۱»: دو جوان به مسخره کردن یک مرد پرداختند!

گزینه‌ی «۲»: از ابتدا دو جوان فهمیدند آنچه را پیرمرد گفت!

گزینه‌ی «۳»: مرد از سؤال جوان ناراحت شد و به او جواب نداد!

-۳۳

(کتاب جامع، درک مطلب، ترکیبی)

«چرا جوان بعد از سؤالش تعجب کرد؟» ← زیرا او منظور سخن مرد را نفهمیده بود! ترجمه‌ی گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی «۱»: انتظار نداشت این جواب را بشنود!

گزینه‌ی «۲»: آگاه شد و به جواب سؤال و زشتی کارش پی برد!

گزینه‌ی «۴»: بزرگواری مرد مسن و فروتنی او را دید!

-۳۴

(کتاب جامع، درک مطلب، ترکیبی)

مقصود از این‌که «اگر زندگی کنی، بدون بها آن را می‌گیری!» این است که همه بدون تلاش و پرداخت هزینه‌ای ناچار به پیری می‌رسند، بنابراین گزینه‌ی «۲» صحیح است: «بزرگ می‌شوی و مثل من خمیده خواهی شد!»

ترجمه‌ی گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی «۱»: امکان ندارد روزی آن را به‌دست آوری!

گزینه‌ی «۳»: هر شخصی آن را به راحتی به دست می‌آورد!

گزینه‌ی «۴»: اگر در زندگی بکوشی ممکن است به آن برسی!

-۳۵

(کتاب جامع، درک مطلب، ترکیبی)

این فعل معلوم است، زیرا فعلی مضارع از افعال گروه دوم است که بر روی دومین حرف اصلی اش (ب) کسره گرفته است. اگر این فعل مجهول بود، به‌صورت «تُسَبَّبُ» می‌آمد.

-۳۶

(کتاب جامع، قواعد، صفحه‌ی ۵ و ۶ کتاب درسی)

هرسه کلمه اسم تفضیل‌اند: «کُبْرَى» اسم تفضیل مؤنث، «أَفْضَلُ» جمع «أَفْضَلُ» و «أَعْلَى» اسم تفضیل مذکر.

در سایر گزینه‌ها این کلمات با معنای رنگ، اسم تفضیل نیستند: (۱) أُبْيَضُ - أَحْمَرُ - أَصْفَرُ / (۳) أَسْوَدُ - حَمْرَاءُ / (۴) أَحْضَرُ.

-۳۷

(کتاب جامع، قواعد، صفحه‌ی ۹ کتاب درسی)

باید به دنبال اسمی بر وزن «مَفْعَلٌ» یا «مَفْعِلٌ» باشیم که بر مکان دلالت کند، «مَدْخَلٌ» این ویژگی را دارد و اسم مکان است: «کنار ورودی خانه‌مان انتظار پدر و مادرم را می‌کشیدم!»

-۳۸

(کتاب جامع، قواعد، صفحه‌ی ۶ و ۹ کتاب درسی)

«کِبَائِرٌ» جمع «کَبِيرَةٌ» است که اسم تفضیل نیست.

-۳۹

(کتاب جامع، قواعد، صفحه‌ی ۷ کتاب درسی)

پیدا کردن «محلّ اعرابی»، یعنی نقش کلمات را در جمله‌ها پیدا کنیم، به ترجمه‌ی عبارت دقت کنید: «اناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود بیفزاید!»، نقش درست کلمه‌ها در گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «أَعْلَمُ: مبتدأ و الجملة اسمية (أَعْلَمُ اسم تفضیل است نه فعل).

گزینه‌ی «۲»: «النَّاسُ: مضاف إليه

گزینه‌ی «۴»: «مَنْ: خبر

-۴۰

(کتاب جامع، قواعد، صفحه‌های ۵، ۷ و ۱۳ کتاب درسی)

«مِنْ» حرف جرّ و «أَهْمٌ» اسم تفضیلی است که مجرور به حرف جر شده است.

اسم‌های تفضیل در گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «أَعْلَى»: خبر برای مبتدای «جبل»

گزینه‌ی «۲»: «خَيْرٌ»: خبر برای مبتدای «تَفَكَّرُ»

گزینه‌ی «۳»: «خَيْرٌ»: خبر برای مبتدای «عَدَاوَةٌ»

دین و زندگی (۲)

-۴۱

(مفهر علی عبارتی، هدایت الهی، صفحه‌ی ۷)

انسان می‌خواهد بداند که «برای چه زندگی می‌کند؟» او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را نشناسد، یا در شناخت آن دچار خطا شود، در حقیقت عمر یا همان سرمایه‌ی وجودی خود را از دست داده است.

قرآن کریم نیز در رابطه با این افراد می‌فرماید: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ».

-۴۲

(مفهر علی عبارتی، هدایت الهی، صفحه‌ی ۷ و ۱۲)

عبارت «هر که هدایت یافت، خودش سود کرده»، با توجه به اینکه اشاره دارد به انسانی که با اختیار خود، هدایت الهی را از طریق پیامبر و کتاب آسمانی پذیرفته است، با عبارت «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم» مرتبط است و عبارت «هر که گمراه شد، تنها به زبان خود عمل کرده است» از آن‌جا که به انسانی اشاره دارد که مورد هدایت الهی واقع شده است، اما با اختیار خود آن را نپذیرفته و موجب زیانکاری خود شده است با عبارت «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ» ارتباط معنایی دارد.

-۴۳

(مفهر رضایی بقا، تداوم هدایت، صفحه‌ی ۲۲)

آیه ذکر شده بیان می‌کند که وحی نازل شده به همه پیامبران یکسان بوده است. پس تعلیم آنها واحد است. هم‌چنین راه پیامبر اسلام (ص) در ادامه راه پیامبران قبل از خود است. دقت شود که ختم نبوت از این آیه برداشت نمی‌گردد.

-۴۴

(مفهر علی عبارتی، تداوم هدایت، صفحه‌ی ۱۹)

لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند، تا همان اصول ثابت دین الهی را درخور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند.

-۴۵

(مفهر آقا صالح، تداوم هدایت، صفحه‌ی ۲۳)

قرآن کریم منشأ اصلی اختلافات و چند دینی را از ناحیه آن دسته از رهبران دینی می‌داند که به خاطر حفظ منافع دنیوی (ثروت و قدرت) پیامبر جدید را انکار می‌کردند. این دلیل درباره ادیانی است که منشأ اصلی آنها الهی است.

-۴۶

(علی مزینانی، تداوم هدایت، صفحه‌ی ۱۹)

حدیث مذکور به «رشد تدریجی سطح فکر مردم» از علل فرستادن پیامبران متعدد اشاره دارد. یعنی به دلیل رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن، مانند دانش و فرهنگ، لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند، تا همان اصول ثابت دین الهی را درخور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند.

-۴۷

(فرزین سماقی - لرستان، تداوم هدایت، صفحه‌ی ۱۸)

به سبب ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها ارزانی داشته، تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. دوست داشتن فضائل اخلاقی یکی از ویژگی‌های مشترک فطری انسان‌هاست؛ اما کسب فضائل اخلاقی، از دستورات دین واحد الهی (اسلام) در حیطة عمل است.

-۴۸

(مرتضی مسینی کبیر، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۲۹ و ۳۱)

در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک داده است. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی، احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. این موضوع به «عوامل ختم نبوت» اشاره دارد و مؤید «پویایی و روزآمد بودن دین اسلام» است.

-۴۹

(مفهر رضایی بقا، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۲۹)

تشخیص اینکه در چه زمانی مردم به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توانند کتاب آسمانی خود را حفظ کنند، در توانایی انسان نیست و فقط خداوند از چنین علمی برخوردار است.

با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم (ص) در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

-۵۰

(مرتضی مسینی کبیر، آخرین پیامبر، صفحه‌ی ۳۴)

اگر پیروان پیامبران گذشته از آمدن پیامبر جدید آگاه نشوند، چنین افرادی نزد خداوند عذر دارند و اگر مطابق دین خود عمل کرده باشند پاداش خود را می‌گیرند. همچنین اگر کسانی دست به تحقیق و جست‌وجو بزنند، اما نتوانند به حقایق دین جدید پی ببرند، عذرشان نزد خداوند پذیرفته است و مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرند.

زبان انگلیسی (۲)

-۵۱

(علی شکوهی)

ترجمه جمله: «او کمی اسپانیایی می‌داند، بنابراین توانستیم یک اتاق خوب در بارسلونا پیدا کنیم و در صورت نیاز چیزهای ضروری را بخریم.»

تکنه مهم درسی

زبان‌ها اسم‌های غیرقابل شمارش محسوب می‌شوند و نمی‌توانند با کلماتی مثل "few"، "a few" و "many" به کار روند (رد گزینه «۲»). "a lot" قید است و نمی‌تواند قبل از اسم به کار رود (رد گزینه «۳»). چون مفهوم جمله مثبت است؛ پس نمی‌توان از "little" که مفهوم کم و ناکافی دارد، استفاده کنیم (رد گزینه «۱»).

(گرامر)

-۵۲

(میرحسین زاهدی)

ترجمه جمله: «احساس می‌کنم همین الان واقعاً نیاز به حداقل دو فنجان دمنوش داغ یا یک بطری شیرکاکائو دارم!»

(۱) دو لیوان / یک پارچ (شیشه)

(۲) دو فنجان / یک بطری

(۳) یک تکه / یک لیوان

(۴) یک قُرس / یک بسته (جعبه)

تکنه مهم درسی

واحد شمارش مناسب برای چای، "cup of" و برای شیرکاکائو، "bottle of" است. یادتان باشد وقتی عددی بالاتر از یک قبل از اسمی به کار می‌برید، حتماً اسم بعدی را جمع ببندید. بنابراین "two cup" نمی‌تواند درست باشد ("two cups").

(گرامر)

-۵۳

(پوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «هیچ نشانه‌ی روشنی از بهبود در شیوه‌ای که اداره مدیریت می‌شود وجود ندارد. به نظرم ما نیاز به اعمال تغییر بزرگی داریم.»

(۱) نکته

(۲) خطر

(۳) برج

(۴) نشانه

(واژگان)

-۵۴

(رها کیاسالار)

ترجمه جمله: «دانش‌آموزانی که تمام شب را در اینترنت چرخ می‌زنند، همیشه توجه کامل موردنیاز در کلاس را طی روزهای مدرسه ندارند.»

(۱) آواز خواندن

(۲) موج‌سواری کردن، گشت زدن (در اینترنت)

(۳) نجات دادن

(۴) تفاوت کردن

(واژگان)

-۵۵

(نرا باران‌طلب)

ترجمه جمله: «برای این‌که با شما کاملاً رو راست باشم، باید بگویم که روشی که شما با والدینتان رفتار می‌کنید ابداً مؤدبانه نیست.»

(۱) داخلی، اهلی

(۲) مشهور، مردمی

(۳) رو راست، صادق

(۴) باستانی

(واژگان)

-۵۶

(پوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «خیلی شوکه شدم وقتی محل زندگی کوچک و فقیرانه آنها را دیدم (متأسفم که می‌گویم حتی نمی‌توانم آن را یک خانه بنامم). چرا که تصور کرده بودم آن خیلی بزرگتر و هم‌چنین دل‌گشا تر باشد.»

(۱) ناپدید شدن

(۲) تصور کردن

(۳) مرور اجمالی کردن

(۴) لذت بردن

(واژگان)

-۵۷

(میرحسین زاهدی)

ترجمه جمله: «به نظر می‌رسد رئیس هیچ درکی از مشکلاتی که کارمندان در حال حاضر در وظایف روزمره خود در محل کار با آن مواجه هستند، ندارد.»

(۱) درک

(۲) دست‌خط

(۳) بخش

(۴) یادآوری

(واژگان)

-۵۸

(شهاب اثاری)

ترجمه جمله: «در ابتدا، بومیان باید بدانند که چگونه به ارزش‌های فرهنگی مردمی که از کشورشان بازدید می‌کنند، احترام بگذارند.»

(۱) علامت، آگهی

(۲) زائر

(۳) ارزش

(۴) بیابان

(واژگان)

-۵۹

(پوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «هنوز برای من سؤال است که چرا او من و تمام آن خاطرات زیبا را بدون هیچ احساس حسرتی پشت سر گذاشت.»

(۱) سؤال

(۲) توصیف

(۳) محافظت

(۴) محل

(واژگان)

-۶۰

(پوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «برای افزایش کیفیت کارمان، همه اعضا باید درباره وظایف روزانه‌شان به‌صورت مکرر گزارش دهند.»

(۱) فریبکارانه

(۲) خوشبختانه

(۳) به‌طور فیزیکی

(۴) مکرراً

(واژگان)

-۶۱

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) وسیله

(۲) آب و هوا

(۳) ماه

(۴) تکه

تکمه: عبارت "by means of something" به معنای «به وسیله چیزی» می‌باشد.

(کلوز تست)

-۶۲

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) ارتباط داشتن

(۲) تصور کردن

(۳) تمرین کردن

(۴) حرکت کردن

(کلوز تست)

-۶۳

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) مردن

(۲) احترام گذاشتن

(۳) به خطر انداختن

(۴) متفاوت بودن

(کلوز تست)

-۶۴

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) بنابراین

(۲) علی‌رغم

(۳) بعد از

(۴) بدون توجه به

(کلوز تست)

-۶۵

(عبدالرشید شفیعی)

تکمه مهم درسی

کلمه "information" غیرقابل شمارش است. توجه کنید که شکل صحیح گزینه "۲" «

"a lot of" است.

(کلوز تست)

-۶۶

(مهتبی درفشان)

ترجمه جمله: «طبق متن، نویسنده هرگز به سالن روستا نمی‌رود.»

(درک مطلب)

-۶۷

(مهتبی درفشان)

ترجمه جمله: «کلمه "it" در پاراگراف ۱ به «روستا» اشاره دارد.»

(درک مطلب)

-۶۸

(مهتبی درفشان)

ترجمه جمله: «متن می‌گوید که جوانان روستا می‌خواهند تفریحات خود را در خارج از روستا انجام دهند.»

(درک مطلب)

-۶۹

(مهتبی درفشان)

ترجمه جمله: «کدام یک از موارد زیر در متن تعریف شده است؟»

«amenities» (امکانات تفریحی)»

(درک مطلب)

-۷۰

(مهتبی درفشان)

ترجمه جمله: «کدام جمله درباره افراد جدید صحیح است؟»

«آنها دوست دارند احساس کنند که بخشی از روستا هستند.»

(درک مطلب)



ریاضی و آمار (۲)

۷۴-

(امیر زرانروز، صفحه‌ی ۴ تا ۱۱)

گفته شده $p \sim q \sim p$ ارزش نادرست دارد پس هم q و هم $p \sim q$ ارزش نادرست دارند لذا خود p و همچنین $q \sim p$ ارزش درست دارند، بنابراین خواهیم داشت:

$$[\sim(p \wedge q) \Leftrightarrow (q \Rightarrow p)] \equiv [\underbrace{\sim(T \wedge F)}_F \Leftrightarrow \underbrace{(F \Rightarrow T)}_T]$$

$$\equiv (T \Leftrightarrow T) \equiv T$$

۷۵-

(عمیر زرین‌کفش، صفحه‌ی ۲ تا ۱۱)

همواره $p \wedge \sim p \equiv F$ پس گزاره $p \Rightarrow (p \wedge \sim p)$ به انتفای مقدم درست است. ولی ارزش گزینه «۴» به ارزش p بستگی دارد و ممکن است درست یا نادرست باشد. در گزینه‌های «۱» و «۳» مقدم همواره درست است.

۷۶-

(فردرار روشنی، صفحه‌ی ۲ تا ۱۱)

با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها، تک تک گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

p	q	$\sim q$	$p \Rightarrow \sim q$	$p \wedge q$	$p \Rightarrow (p \wedge q)$	$p \vee q$
T	T	F	F	T	T	T
T	F	T	T	F	F	T
F	T	F	T	F	T	T
F	F	T	T	F	T	F

$p \Rightarrow (p \vee q)$	$p \Rightarrow q$	$p \wedge (p \Rightarrow q)$
T	T	T
T	F	F
T	T	F
T	T	F

که با توجه به جدول بالا فقط ارزش گزاره $p \Rightarrow (p \vee q)$ همواره درست است.

راه ساده‌تر: اگر p درست باشد پس $p \vee q$ درست و $p \Rightarrow (p \vee q)$ نیز درست است.

اگر p نادرست باشد در این صورت $p \Rightarrow (p \vee q)$ به انتفای مقدم درست است پس گزاره $p \Rightarrow (p \vee q)$ همواره درست است.

۷۷-

(موسا عفتی، صفحه‌ی ۴ تا ۱۱)

طبق هم‌ارزی زیر داریم:

$$p \wedge (q \vee r) \equiv (p \wedge q) \vee (p \wedge r)$$

$$\Rightarrow (p \wedge q) \vee (p \wedge \sim q) \equiv p \wedge (q \vee \sim q) \equiv p \wedge T \equiv p$$

همواره T

مبحث: گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها

۷۱-

(فردرار روشنی، صفحه‌ی ۴ و ۵)

چون ترکیب عطفی گزاره‌ها درست است، پس هر دو گزاره درست هستند و در این حالت گزاره‌ی الاهلی پرسپولیس را نبرده یعنی پرسپولیس برده و گزاره‌ی العین به الهلال باخته یعنی الهلال برده است، پس دو تیمی که به فینال راه پیدا کرده‌اند پرسپولیس و الهلال است.

۷۲-

(امیر زرانروز، صفحه‌ی ۲ تا ۱۱)

$$\underbrace{\underbrace{5 > 2}_T \Leftrightarrow \underbrace{29 > 30}_F}_F$$

$$\underbrace{\underbrace{(\sqrt{3}) \text{ گنگ است}}_T \Rightarrow \underbrace{(\text{خط } x=3 \text{ افقی است})}_F}_T$$

$$\underbrace{\underbrace{(\text{مربع کامل است})}_T \vee \underbrace{(\text{زوج است})}_F}_T$$

$$\underbrace{\underbrace{(\text{عدد } 80 \text{ اول است})}_F \Leftrightarrow \underbrace{[(\text{ } -2 \in \mathbb{N}) \wedge (\mathbb{N} \subseteq \mathbb{R})]}_T}_T$$

۷۳-

(فردرار روشنی، صفحه‌ی ۴ تا ۸)

گزاره p میانگین اعداد ۱۴، ۵، ۸ برابر با $\frac{14+5+8}{3} = 9$ و فرد است. پس این گزاره به انتفای مقدم، درست است.

گزاره q اگر دو عدد فرد باشند، حاصل ضرب آن‌ها نیز فرد است و اگر حاصل ضرب دو عدد فرد شود، حتماً هر دو فرد هستند. پس این گزاره درست است.

گزاره r $98 = 7 \times 14$ در نتیجه ۹۸ بر ۷ بخش پذیر است. $143 = 11 \times 13$ در نتیجه ۱۴۳ عددی اول نیست. پس این گزاره نادرست است.

۱) $p \wedge r \equiv T \wedge F \equiv F$

۲) $q \Rightarrow r \equiv T \Rightarrow F \equiv F$

۳) $q \vee r \equiv T \vee F \equiv T$

۴) $p \Leftrightarrow r \equiv T \Leftrightarrow F \equiv F$



۷۸-

(امیر زرتدوز، صفحه‌ی ۳ تا ۱۱)

می‌دانیم عکس نقیض گزاره‌ی شرطی $p \Rightarrow q$ به صورت $\sim p \Rightarrow \sim q$ می‌باشد. بنابراین خواهیم نوشت:

$$\begin{aligned} \text{با استفاده از قانون دمورگان} \rightarrow & \text{عکس نقیض گزاره‌ی داده شده} \\ & [\sim r \Rightarrow \sim (p \wedge q)] \\ \equiv & [\sim r \Rightarrow (\sim p \vee \sim q)] \end{aligned}$$

۷۹-

(همید زرین‌کفش، صفحه‌ی ۳ تا ۱۱)

با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	$\sim p$	$\sim q$	$\sim p \vee q$
د	ن	ن	د	ن
ن	ن	د	د	د
ن	د	د	ن	د

$p \Rightarrow q$	$(\sim p \vee q) \Leftrightarrow (p \Rightarrow q)$
د	ن
د	د
د	د

۸۰-

(همید زرین‌کفش، صفحه‌ی ۳ تا ۱۱)

می‌دانیم هم‌ارز گزاره‌ی $p \Rightarrow q$ به صورت $\sim p \vee q$ می‌باشد، لذا داریم:

$$\text{با توجه به قوانین دمورگان} \rightarrow \frac{(p \wedge \sim q) \vee (p \Rightarrow q) \equiv (p \wedge \sim q) \vee (\sim p \vee q)}{p \wedge \sim q \equiv \sim (\sim p \vee q)}$$

$$\sim (\sim p \vee q) \vee (\sim p \vee q) \xrightarrow{\sim r \vee r \equiv T} \equiv T$$

ریاضی و آمار (۲) شاهد «گواه»

مبحث: گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۲ تا ۳ کتاب درسی)

۸۱-

به بررسی تک‌تک موارد می‌پردازیم:
 الف) این عبارت یک گزاره نمی‌باشد. چرا که درستی یا نادرستی آن دقیقاً مشخص نیست و ممکن است از دیدگاه‌های مختلف درست یا نادرست باشد.
 ب) این عبارت یک گزاره است. زیرا یک جمله خبری است و درستی و نادرستی آن کاملاً مشخص است.
 پ) این عبارت یک گزاره است چرا که درستی و نادرستی آن دقیقاً قابل تعیین است.
 ت) این عبارت یک گزاره نیست، زیرا یک جمله عاطفی است و همچنین ارزش آن دقیقاً مشخص نیست و بسته به سلیقه افراد می‌تواند درست یا نادرست باشد.
 ث) این عبارت یک گزاره نیست، زیرا یک جمله امری است و نمی‌توان دقیقاً ارزش آن را مشخص کرد.
 ج) این عبارت نیز یک گزاره نیست، زیرا بنا به سلیقه افراد درستی یا نادرستی آن مشخص نیست.
 پس تنها دو مورد از عبارت‌های بالا گزاره محسوب می‌شوند.

۸۲-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۲ تا ۳ کتاب درسی)

تعداد حالت‌های ارزشی n گزاره برابر 2^n است. حال اگر تعداد ۳ گزاره اضافه کنیم، داریم:

$$\begin{aligned} 2^{n+3} - 2^n &= 224 \\ \Rightarrow 2^n \times 2^3 - 2^n &= 224 \Rightarrow 8 \times 2^n - 2^n = 224 \\ \Rightarrow 7 \times 2^n &= 224 \Rightarrow 2^n = 32 \\ \Rightarrow 2^n &= 2^5 \Rightarrow n = 5 \end{aligned}$$

پس تعداد گزاره‌های اولیه ۵ تا است.

۸۳-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۴ و ۵ کتاب درسی)

ابتدا ارزش هر یک از گزاره‌ها را تعیین می‌کنیم.

(۱) عبارت $a^2 + 2ab + b^2 = (a+b)^2$ یک مربع کامل است و ۹۳ بر ۳ بخش پذیر است. پس گزاره اول درست و گزاره دوم نادرست و ترکیب عطفی آنها نادرست است.

(۲) $2^4 = 4^2 = 16$ پس گزاره اولی نادرست و در مثلث متساوی‌الاضلاع همه زوایا 60° هستند، پس گزاره دوم درست است. پس ترکیب عطفی آنها نادرست است.

(۳) $65 = 64 + 1 = 2^6 + 1$ که بر ۵ بخش پذیر است. گزاره‌ی درست و معادله $2x + 1 = 0$ تنها ریشه $x = -\frac{1}{2}$ را دارد نیز گزاره‌ی درست است. پس ترکیب عطفی آنها درست است.

(۴) مجموع دو عدد فرد همواره عددی زوج است. پس گزاره اول نادرست و عدد زوج ۱۸ بر ۳ بخش پذیر است در نتیجه گزاره دوم نیز نادرست است. پس ترکیب عطفی دو گزاره نادرست است.

پس ارزش گزاره گزینه «۳» با دیگر گزینه‌ها تفاوت دارد.

۸۴-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۲ تا ۳ کتاب درسی)

دو گزاره وقتی هم‌ارزند که برای همه حالات منطقی هر دو درست یا نادرست باشند. گزینه‌ی «۱»: قرآن دارای ۳۰ جزء است. گزاره‌ی درست است در حالی که π عددی گویا است. گزاره‌ی نادرست است. پس این دو گزاره هم‌ارز نیستند.

گزینه‌ی «۲»: $13 = 4 + 9 = 2^2 + 3^2$ ، $16 = 4^2$ و $4^2 > 2^2 + 3^2$ گزاره‌ی صحیح نیست.

در حالی که مرکز استان خوزستان اهواز است و گزاره‌ی صحیح است. پس این دو گزاره هم‌ارز نیستند.

گزینه‌ی «۳»: رنگ میوه خرمالوی رسیده نارنجی است و گزاره‌ی درست است در حالی که پایه‌گذار حکومت صفویه شاه اسماعیل صفوی است و این گزاره صحیح نیست و در نتیجه این دو گزاره هم‌ارز نیستند.

گزینه‌ی «۴»: جواب معادله $2x + 1 = 0$ برابر $x = -\frac{1}{2}$ است. پس این گزاره صحیح نیست.

زاین نیز جزء کشورهای خاورمیانه محسوب نمی‌شود. پس این گزاره صحیح نیست. پس این دو گزاره دارای ارزش یکسان هستند. پس هم‌ارزند.



۸۵-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۶ و ۷ کتاب درسی)

با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	~p	~q	p ⇒ q	~(p ⇒ q)
د	د	ن	ن	د	ن
د	ن	ن	د	ن	د
ن	د	د	ن	د	ن
ن	ن	د	د	د	ن

~p ∨ q	~p ∧ q	p ∧ ~q	p ∨ ~q
د	ن	ن	د
ن	ن	د	د
د	د	ن	ن
د	ن	ن	د

همان‌طور که از جدول بالا مشاهده می‌کنید نقیض گزاره‌ی شرطی (p ⇒ q) هم‌ارز (p ∧ ~q) است.

$$\sim(p \Rightarrow q) \equiv p \wedge \sim q$$

۸۶-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۴ تا ۷ کتاب درسی)

با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	~q	p ∧ ~q	q ⇒ p	(p ∧ ~q) ∧ (q ⇒ p)
د	د	ن	ن	د	ن
د	ن	د	د	د	د
ن	د	ن	ن	ن	ن
ن	ن	د	ن	د	ن

در نتیجه اگر گزاره‌ی p درست و گزاره‌ی q نادرست باشد، در این صورت ارزش گزاره‌ی مرکب (p ∧ ~q) ∧ (q ⇒ p) درست است و در غیر این صورت همواره نادرست است.

۸۷-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۶ تا ۱۱ کتاب درسی)

ابتدا ارزش هر یک از گزاره‌ها را می‌یابیم:

p	q	r	~p	~p ⇔ q	r ⇒ (~p ⇔ q)
د	ن	گزاره‌ی دلخواه	ن	د	د

گزینه‌ی «۲»:

p	q	~q	(p ⇔ ~q)	(p ⇔ ~q) ⇔ q
د	ن	د	د	ن

گزینه‌ی «۳»:

p	q	~p	p ⇔ q	(p ⇔ q) ⇔ ~p
د	ن	ن	ن	د

گزینه‌ی «۴»:

p	q	~p	r	~p ⇔ q
د	ن	ن	گزاره‌ی دلخواه	د

p ∨ r	(~p ⇔ q) ⇔ (p ∨ r)
د	د

در نتیجه ارزش درستی گزاره‌ی گزینه‌ی «۲» با دیگر گزینه‌ها متفاوت است.

۸۸-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۸ تا ۱۱ کتاب درسی)

با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	p ⇔ q	(p ⇒ q)	(q ⇒ p)
د	د	د	د	د
د	ن	ن	ن	د
ن	د	ن	د	ن
ن	ن	د	د	د

(p ⇒ q) ∨ (q ⇒ p)	(p ⇒ q) ∧ (q ⇒ p)	p ∧ q	q ∨ p
د	د	د	د
د	ن	ن	د
د	ن	ن	د
د	د	ن	ن

$$(q \vee p) \Rightarrow (p \wedge q)$$

د
ن
ن
د

با توجه به جدول بالا هم‌ارز ترکیب دو شرطی p ⇔ q به صورت زیر است:

$$(p \Leftrightarrow q) \equiv (p \Rightarrow q) \wedge (q \Rightarrow p) \equiv (q \vee p) \Rightarrow (p \wedge q)$$

در نتیجه هر دو گزینه «۲» و «۳» صحیح است.

۸۹-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۴ تا ۷ کتاب درسی)

با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	~p	~q	p ∧ ~q	~p ∨ q
د	د	ن	ن	ن	د
د	ن	ن	د	د	ن
ن	د	د	ن	ن	د
ن	ن	د	د	ن	د

(p ∧ ~q) ⇒ (~p ∨ q)	~p ⇒ q	p ⇒ q
د	د	د
ن	د	ن
د	د	د
د	ن	د

p ⇒ ~q	~p ⇒ ~q
ن	د
د	د
د	ن
د	د

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید گزاره‌ی صورت سؤال هم‌ارز گزاره‌ی p ⇒ q است. زیرا به ازای هر گزاره‌ی p و q ارزش درستی یا نادرستی آن‌ها با یک‌دیگر یکسان است.



۹۰-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۴ تا ۷ کتاب درسی)

روش اول: با توجه به جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	$p \Rightarrow q$	$p \wedge (p \Rightarrow q)$	$(p \wedge (p \Rightarrow q)) \Rightarrow q$
د	د	د	د	د
د	ن	ن	ن	د
ن	د	د	ن	د
ن	ن	د	ن	د

پس ارزش گزاره مورد نظر همواره درست است.

روش دوم: هم‌ارز گزاره شرطی $p \Rightarrow q$ به صورت $(\sim p \vee q)$ است، داریم:

$$(p \wedge (p \Rightarrow q)) \Rightarrow q \equiv (p \wedge (\sim p \vee q)) \Rightarrow q$$

حال با استفاده از توزیع «و» روی «یا» داریم:

$$(p \wedge (\sim p \vee q)) \Rightarrow q \equiv ((p \wedge \sim p) \vee (p \wedge q)) \Rightarrow q$$

نادرست

ترکیب عطفی یک گزاره و نقیض آن همواره نادرست است و ترکیب فصلی یک گزاره نامعلوم و یک گزاره نادرست به ارزش گزاره نامعلوم بستگی دارد.

$$((p \wedge \sim p) \vee (p \wedge q)) \Rightarrow q \equiv (p \wedge q) \Rightarrow q$$

حال مجدداً با استفاده از نکته ذکر شده در بالا داریم:

$$(p \wedge q) \Rightarrow q \equiv \sim (p \wedge q) \vee q \equiv \sim p \vee \sim q \vee q \equiv \sim p \vee \underbrace{(\sim q \vee q)}_T$$

$$\equiv \sim p \vee T \equiv T$$

علوم و فنون ادبی (۲)

۹۱-

(میترا پاکزاد، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۶ و ۱۷)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ابن‌یمن قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است.

گزینه «۲»: سلمان ساوجی دارای قصایدی در سبک عراقی است.

گزینه «۳»: تاریخ گزیده، تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ هـ. ق. را بیان کرده است.

۹۲-

(سعید بهفری، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۴)

ابیات «الف» و «ت»: پایه‌های آوایی و هجاهای یک‌سان دارند.

هر یک از مصراع‌های ابیات «الف» و «ت» سه پایه آوایی و یازده هجا دارند.

تشریح دیگر ابیات:

بیت «ب»: سه پایه آوایی و دوازده هجا دارد.

بیت «پ»: چهار پایه آوایی و شانزده هجا دارد.

۹۳-

(عارف‌سارات طباطبائی نژاد، تشبیه، صفحه‌ی ۲۶)

در بیت گزینه «۲»، تشبیه وجود ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «دامگه خاک» تشبیه

گزینه «۳»: «سخن» مثل «مهر» / «بوی تو» مانند «جاندارو»

گزینه «۴»: «موی تو» مانند «سلسله»

۹۴-

(ممتاز شریفی، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۸)

رونق ادبیات در قرن نهم، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات این دوره تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

۹۵-

(ممنن اصغری، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۲)

گویی چه شد	آن سروین	با ما نمی	گوید سن‌خن
زری‌حا	ن‌گل‌ها	ک‌روید	زدل‌ها

۹۶-

(ممنن اصغری، تشبیه، صفحه‌ی ۲۷ و ۲۸)

در بیت گزینه‌ی «۲»: وجه‌شبهه حذف شده است.

مشبهه: وفای تو / چون: ادات تشبیه / عمر من: مشبهه به / (وجه‌شبهه: کوتاه بودن و ناپایداری)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مشبهه: هر که / مشبهه‌به: شمع / ادات تشبیه: وار / وجه شبهه: در نظر بودن (مشاهده شدن)

گزینه «۳»: مشبهه: چشم‌بخت / ادات تشبیه: چو / مشبهه‌به: نرگس / وجه‌شبهه: از خواب برخاستن

گزینه «۴»: مشبهه: مرد / ادات تشبیه: چون / مشبهه‌به: شمع / وجه‌شبهه: سوختن سرپای وجود

۹۷-

(عارف‌سارات طباطبائی نژاد، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۳)

مفهوم بیت گزینه «۲»: وصف طبیعت است که از مضامین رایج در شعر قرن هفتم نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: خدمت به خلق

گزینه «۳»: اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا

گزینه «۴»: عواطف انسانی

۹۸-

(میترا پاکزاد، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۱)

نظم پایه‌های آوایی مصراع اول این گزینه:

تر	سم	ذ	رین	دل	ها	ی	شب
-	-	U	-	-	-	U	-
از	سی	ن	آ	هی	سر	ز	ند
-	-	U	-	-	-	U	-

توضیح نکات درسی:

برای پاسخ به این‌گونه سؤالات با تقطیع مصراع اول می‌توانید تفاوت پایه‌های آوایی را تشخیص دهید و نیازی به تقطیع کل بیت نیست. گاهی تقطیع هجای اول نیز اختلاف را مشخص می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»:

ب	گو	ای	پی	ک	مُش	تا	قان
U	-	-	-	U	-	-	-
پ	دان	خض	رَت	ک	مِه	جو	ری
U	-	-	-	U	-	-	-

گزینه «۲»:

ز	فَر	زین	بَن	دِ	آن	رَخ	من
U	-	-	-	U	-	-	-
چ	شَه	ما	تَم	چ	شَه	ما	تم
U	-	-	-	U	-	-	-

گزینه «۳»:

ز	هی	در	یا	ی	گو	هَر	بَخ
U	-	-	-	U	-	-	-
ش	مو	جن	گی	ز	پَه	نا	ور
U	-	-	-	U	-	-	-



۹۹-

(سعیر یعفری، تشبیه، صفحه‌ی ۲۹)

مشبه: جان من / وجه شبه: دژم / ادات تشبیه: به سان / مشبه‌به: چشم او
مشبه: زلف او / وجه شبه: به خم (خمیده) بودن / ادات تشبیه: به سان / مشبه‌به:
پشت من

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مشبه: زلف / وجه شبه: ندارد / ادات تشبیه: چون / مشبه‌به: کمند
گزینه «۳»: مشبه: من / وجه شبه: از آدمی رمیدن / ادات تشبیه: چو / مشبه‌به: آهوی وحشی
گزینه «۴»: مشبه: دلم / وجه شبه: می‌رود بر باد / ادات تشبیه: چون / مشبه‌به: سر زلف

۱۰۰-

(مهناز شریفی، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۴)

ابیات «الف» و «ب» هر یک از سه پایه آوایی تشکیل شده‌اند.

الف:

این	ز	مان	دو	را	ن	جان	دا	ذن	ر	سید
نو	ب	ت	در	خا	ک	اف	تا	ذن	ر	سید

ب:

خ	شش	با	دان	ن	سی	م	صب	ح	گا	هی
ک	ذر	د	شب	ن	شی	نان	را	ذ	وا	کرد

ابیات «پ» و «ت» هر یک چهار پایه آوایی دارند.

تاریخ (۲)

۱۰۱-

(بهرز بیگی، روش پژوهش در تاریخ، صفحه‌ی ۱۷)

یکی از معایب «تاریخ‌نگاری ترکیبی» این است که مورخ در این روش ناچار به گزینش و انتخاب است و امکان دارد برخی از جنبه‌های خبر از چشم او دور بماند. و شاید یکی از معایب «تاریخ‌نگاری روایی» این باشد که نویسندگان به دور از هرگونه نقد، هیچ نظری درباره‌ی درستی و نادرستی خبر ارائه نمی‌دهند. «بلاذری و دینوری» در کتاب‌های فتوح البلدان و اخبار الطوال به شیوه تاریخ‌نگاری ترکیبی کتاب‌های خود را نگارش کردند. و «طبری» به روش تاریخ‌نگاری روایی پرداخته است.

۱۰۲-

(هژبر ریمی، منابع پژوهش در تاریخ، صفحه‌ی ۶ و ۷)

کتاب تاریخ رویان تألیف اولیاءالله آملی در زمره کتاب‌های «تاریخ‌های محلی» قرار می‌گیرد.

کتاب عجائب‌المقدور فی نوائب تیمور از ابن عربشاه و فتوحات شاهی از امینی هر دو جزء کتاب‌های «تک‌نگاری» هستند.

کتاب‌های تاریخ عالم‌آرای عباسی تألیف اسکندر بیگ ترکمان و التاجی فی اخبار الدرلة الدیلمیه از ابواسحاق صابی جزء «تاریخ‌های سلسله‌ای» هستند.

۱۰۳-

(مهبری کاردان، منابع پژوهش در تاریخ، صفحه‌ی ۱۲)

الف) انساب الاشراف: بلاذری

ب) عیون الانباء فی طبقات الاطباء: ابن ابی اصیبعه

پ) الطبقات الکبری: ابن سعد کاتب واقدی

۱۰۴-

(بهرز بیگی، اسلام در مکه، صفحه‌ی ۲۷ تا ۲۹)

الف) در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که احساسات دینی و اعتقاد راسخ سران مشرک به بت‌ها، علت اصلی مخالفت و دشمنی آنان با اسلام بوده است.

ب) تنها ابولهب از خاندان بنی‌هاشم به دشمنی با رسول خدا برخاست.

پ) پس از آنکه سران قریش در جلب رضایت ابوطالب برای دست برداشتن از حمایت رسول خدا ناکام ماندند، تصمیم گرفتند بنی‌هاشم را تحت محاصره اجتماعی و اقتصادی قرار دهند.

ت) اهالی طائف نه تنها از پیامبر استقبال نکردند، بلکه با بی احترامی و اهانت، آن حضرت را از شهرشان راندند.

۱۰۵-

(الهام میرزائی، اسلام در مکه، صفحه‌های ۲۳، ۲۵ و ۲۶)

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) حضرت محمد (ص) در ۲۰ سالگی در پیمان جوانمردان (حلف الفضول) شرکت کرد.

پ) ابوبکر بن ابی قحافه نخستین فرد بیرون از خانواده رسول خدا بود که اسلام آورد.

۱۰۶-

(الهام میرزائی، روش پژوهش در تاریخ، صفحه‌ی ۱۵ و ۱۶)

الف) یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین معیارهای سنجش درستی یا نادرستی یک گزارش تاریخی، بررسی مطابقت و یا عدم مطابقت آن با عقل است.

ب) در سال‌های اخیر، نتایج تحقیقات باستان‌شناسی، معیاری مناسب برای سنجش اعتبار اخبار تاریخی محسوب می‌شود.

پ) خبر و روایتی که فاقد زمان و مکان دقیق و مشخص باشد از اصالت و اعتبار کافی برخوردار نیست.

ت) یعقوبی، مقدسی، ابن مسکویه، بیهقی و ابن اسفندیار، عدم مطابقت یک روایت تاریخی با عقل را، دلیلی بر بطلان و نادرستی آن می‌دانستند.

۱۰۷-

(هژبر ریمی، منابع پژوهش در تاریخ، صفحه‌ی ۲ و ۳)

جنگ‌افزارها از جمله ابزارها و وسایل دست ساخته انسان هستند. خانقاه‌ها و کوه احد زیر مجموعه محوطه‌ها و بناهای تاریخی‌اند. تصنیف‌ها جزء آثار شفاهی قرار می‌گیرند.

۱۰۸-

(صبیه ممبئی، اسلام در مکه، صفحه‌ی ۲۰ تا ۲۲)

الف) شبه جزیره پنهان عربستان، با آب و هوایی گرم و خشک، در جنوب و جنوب غربی فلات ایران قرار دارد. این شبه جزیره، مسکن دیرینه اعراب است.

ب) مطالعات مورخان و کاوش‌های باستان‌شناسان در سده‌های ۱۹ و ۲۰ م. نشان داده که پیش از میلاد حضرت عیسی (ع)، فرهنگ و تمدن مهمی در سرزمین یمن، واقع در جنوب شبه جزیره عربستان وجود داشته است.

پ) قبیله‌ها و طایفه‌های گوناگون عرب، خود را به یکی از دو دسته قحطانی (جنوبی) و عدنانی (شمالی) منسوب می‌کردند.

ت) در دوران پیش از اسلام، قبیله‌های عرب شبه جزیره عربستان به صورت پراکنده و جدا از هم می‌زیستند و حکومت فراگیر و قدرتمندی در آن شبه جزیره وجود نداشت.



۱۰۹-

(مبیه مبیی، منابع پژوهش در تاریخ، صفحه‌ی ۸ و ۱۰)
الف) سرودن «منظومه‌های» حماسی و تاریخی که در ایران پیشینه دیرینه‌ای داشت، از دوره مغولان رواج و رونق بسیاری یافت.
ب) «سفرنامه‌ها» اطلاعات مفیدی از زندگانی اجتماعی مردم ایران ارائه می‌کنند که در دیگر منابع کمتر دیده می‌شوند.
پ) «نوشته‌های جغرافیایی» اطلاعاتی درباره‌ی حدود و سرحدات و مرزهای سرزمین‌ها و حکومت‌های محلی ارائه می‌دهند.
ت) «سفرنامه‌ها» افرادی مانند ناصر خسرو در قرن پنجم هجری قمری، ابن بطوطه در قرن هشتم و شاردن و پیتر دلاواله در عصر صفوی، حاوی اطلاعات بسیار مفیدی درباره‌ی تاریخ ایران هستند.

۱۱۰-

(مهری گاردان، روش پژوهش در تاریخ، صفحه‌ی ۱۴)
الف) نقد یک خبر تاریخی در حقیقت همان اعتبارسنجی و بررسی اصالت خبر محسوب می‌شود.
ب) مسعودی برای بررسی درستی و یا نادرستی برخی از اخبار و گزارش‌های تاریخی به مسافرت می‌رفت و از نزدیک مکان رویدادها را مورد مطالعه قرار می‌داد.
پ) یکی از کارهای مورخان در نقد روایت‌کننده، تعیین فاصله زمانی و مکانی بین راوی و خبر است.

جغرافیا (۲)

۱۱۱-

(ممدابراهیم علی‌نژاد، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۱ تا ۲۳)
بیشترین تغییرات آب و هوایی در لایه‌ی زیرین هوا کره، یعنی ورد سپهر (تروپوسفر) به وجود می‌آید. هوا وضعیت گذرا و موقتی هواکره (اتمسفر) در یک محل در مدت زمانی کوتاه است. برای مثال، می‌گوییم امروز هوا آفتابی یا ابری است یا امروز هوا سرد است و ... اما آب و هوا، شرایط و وضعیت هوای یک ناحیه در مدت زمانی نسبتاً طولانی است. برای مثال، می‌گوییم اندونزی کشوری گرم و مرطوب است. پرتوهای خورشید در مدار ۶۰ درجه به دلیل مایل تابیدن، مساحتی دو برابر ناحیه استوایی را دربر می‌گیرند. مقدار انرژی گرمایی دریافتی توسط هر واحد سطح در این ناحیه تقریباً نصف منطقه استوایی است.

۱۱۲-

(مهری گاردان، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۴)
تشریح عبارت‌های نادرست:
الف) وقتی هوای یک منطقه گرم می‌شود، مولکول‌ها «سریع‌تر» حرکت می‌کنند.
ب) هوای گرم نسبت به اطراف خود، فشار کمتری دارد و در نتیجه بر روی منطقه گرم یک مرکز «کم‌فشار» ایجاد می‌شود.
د) هوای سرد سنگین است و به سمت پایین یا سطح زمین فرود می‌آید، در نتیجه بر روی منطقه سرد یک مرکز «پر فشار» پدید می‌آید.

۱۱۳-

(بهرز بیبی، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۶)
کمربندهای فشار و وزش بادهای در شکل گزینشی «۳» به درستی نمایش داده شده است. جهت وزش بادهای بر اثر حرکت وضعی زمین و نیروی کوریولیس در نیمکره‌ها به سمت غرب و شرق منحرف می‌شود.

۱۱۴-

(بهرز بیبی، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۷)
در بارندگی همرفتی، توده هوا از هوای مجاور خود گرم‌تر می‌شود؛ همراه با بالا رفتن، دمای آن پایین می‌آید و ابر تشکیل می‌شود و بارندگی صورت می‌گیرد. بارش‌های بهاری بیشتر از این نوع‌اند.

۱۱۵-

(ممدابراهیم علی‌نژاد، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۵)
جبهه‌ها مرز بین دو توده هوا مجاورند و آنها را از هم جدا می‌کنند.
تصویر شماره (۱)، ابر نیمواستراتوس
شماره (۲)، ابراستراتوس
شماره (۳)، ابرسیروس
شماره (۴)، ابرهای کومولونیمبوس را نشان می‌دهد.

۱۱۶-

(الوام میرزائی، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۵)
الف) در عرض‌های جغرافیایی بالاتر دمای هوا کم‌تر است.
ب) برخورد توده‌های هوا با یکدیگر، موجب «ناپایداری هوا» و در صورت دارا بودن رطوبت، موجب «بارندگی» می‌شود.
پ) هر چه از سطح زمین بالاتر رویم، فشار هوا کم می‌شود.

۱۱۷-

(الوام میرزائی، معنا و مفهوم ناحیه، صفحه‌ی ۵ تا ۷)
الف) ناحیه «خزر شرقی» با «کردستان» هر دو ۵۳۹ میلی‌متر از نظر بارندگی با هم برابرند. همچنین نواحی «آذربایجان و زاگرس» با «خراسان شمالی» با ۳۱۳ میلی‌متر بارش با هم برابر هستند.
ب) خاک چرنوزیوم، حاصل‌خیز و غنی از مواد آلی و ریشه علفزارها می‌باشد.
پ) در قاره استرالیا جنگل‌های تایگا وجود ندارد.
ت) قوم پشتون با ۴۲ درصد بیش‌ترین قومیت‌ها را در افغانستان دارد.

۱۱۸-

(مبیه مبیی، انسان و ناحیه، صفحه‌ی ۱۳ و ۱۵)
الف) برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری‌های یک دولت برای ایجاد ناحیه گردشگری و پارک‌های ملی یا صنعتی، توسعه کشاورزی در یک ناحیه و ... می‌تواند موجب حفظ، تغییر یا تخریب نواحی طبیعی و انسانی شود.
ب) هر ناحیه کره زمین با دیگر نواحی مبادلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. نواحی بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. امروزه همه نواحی و حتی دورافتاده‌ترین آن‌ها به ویژه از نظر اقتصادی، تحت تأثیر یکدیگرند. (رابطه و کنش متقابل نواحی با یکدیگر)
پ) کنش متقابل و وابستگی نواحی در جهان امروز نسبت به گذشته شدت بیشتری یافته است؛ زیرا هم جمعیت افزایش یافته و هم نیازهای انسان‌ها بیشتر شده است.

۱۱۹-

(مهری گاردان، انسان و ناحیه، صفحه‌ی ۱۶ و ۱۷)
در نواحی انسانی مانند نواحی زبانی و قومی، تعیین مرز نواحی دشوارتر از نواحی طبیعی مثل نواحی خاک یا زیست‌بوم‌هاست.

۱۲۰-

(مبیه مبیی، نواحی آب و هوایی، صفحه‌ی ۲۲)
تشریح عبارت‌های نادرست:
الف) گاز نیتروژن ۷۸ درصد حجم هوا کره را تشکیل می‌دهد.
ب) نواحی آب و هوایی مختلف را با توجه به عناصری چون تابش خورشید، دما، فشار و بارش و چگونگی توزیع آن‌ها بررسی می‌کنند.
ت) تابش خورشید روی عناصر آب و هوایی چون دما، فشار و رطوبت و بارش تأثیر می‌گذارد.



جامعه‌شناسی (۲)

۱۲۱-

(الهام میرزائی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۲۴ و ۲۵)

در استعمار نو کشورهای استعمارگر با استفاده از شرایط مساعدی که در دوره‌ی استعمار ایجاد کرده‌اند از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای رسیدن به اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

۱۲۲-

(هژبر ریمی، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۴)

بخش فردی جهان انسانی به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها بازمی‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلیقات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آن‌ها شریک نیستند. مرور خاطرات کودکی و گوش دادن به آهنگ در تنهایی از جمله فعالیت‌های مربوط به بخش فردی جهان اجتماعی است.

۱۲۳-

(میتبی مهنائی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۲۳)

الف) امپریالیسم سیاسی: از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد.
ب) امپریالیسم اقتصادی: در جایی رخ می‌دهد که قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف کند.
ج) امپریالیسم فرهنگی: هنگامی رخ می‌دهد که مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ی دیگر قرار گرفته، از بین می‌رود و قوم مغلوب برتری فرهنگی جامعه‌ی مسلط را نیز بپذیرد.

۱۲۴-

(بهروز یمی، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۲)

فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها ناظر به قوم و منطقه‌ی خاصی است از محدوده‌ی قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند مگر این‌که نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.

۱۲۵-

(مهدابراهیم علی‌نژاد، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۵ و ۱۶)

فرهنگ‌های جبرگرا منکر نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان می‌باشند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند، آن‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینه‌ی نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

۱۲۶-

(بهروز یمی، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۲)

فرهنگ صهیونیسم آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند و با رویکرد دنیوی و این جهانی خود، دیگران را در خدمت این نژاد قرار می‌دهد.

۱۲۷-

(مهدابراهیم علی‌نژاد، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۲۰ و ۲۱)

الف) غلبه‌ی نظامی گر چه به‌حضور مستقیم مهاجمان در مناطق جغرافیایی مورد تهاجم منجر می‌شود، همواره گسترش فرهنگی آن‌ها را به‌دنبال نمی‌آورد.
ب) قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم می‌تواند استقلال سیاسی خود را به‌دست آورد.

۱۲۸-

(الهام میرزائی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۲۴ و ۲۵)

بررسی عبارت‌های غلط:

الف) در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند.
ب) استعمار نو طی قرن بیستم به وجود آمد.
پ) کودتای نوژه از نمونه‌های شکست‌خورده کودتاهای استعمار نو بود.

۱۲۹-

(میتبی مهنائی، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۲۳)

موفقیت‌های استعمار در قرن پانزدهم میلادی ناشی از پیشرفت در زمینه‌های دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود.

۱۳۰-

(هژبر ریمی، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۳)

پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند.



جامعه‌شناسی (۲) (شاهد «گواه»)

۱۳۱-

(سؤال ۲۰ کتاب جامع، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۴ و ۵ کتاب درسی)

بخش فردی جهان انسانی، همان جهان ذهنی است و بخش اجتماعی جهان انسانی، همان جهان فرهنگی است و شکل، بیانگر ارتباط، تناسب و هماهنگی این دو بخش از جهان انسانی می‌باشد.

۱۳۲-

(سؤال ۳۵ کتاب جامع، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۷ و ۸ کتاب درسی)

از دید این گروه، جهان تکوینی و طبیعی، ماده‌ی خامی است که در معرض برداشت‌ها و تصرفات مختلف فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها قرار می‌گیرد.

۱۳۳-

(سؤال ۴۰ کتاب جامع، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۸ کتاب درسی)

قرآن کریم جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

۱۳۴-

(سؤال ۷۳ کتاب جامع، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۱ کتاب درسی)

برخی فرهنگ‌ها عمری کوتاه دارند و برخی مدت طولانی دوام می‌آورند.

۱۳۵-

(سؤال ۷۹ کتاب جامع، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۳ کتاب درسی)

سرمایه‌داری کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون و حاشیه آن به خدمت می‌گیرد.

فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه و گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، ما فرهنگ سلطه یا استکبار است.

فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها در خدمت گروه و قوم خاصی نیست بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

۱۳۶-

(سؤال ۹۰ کتاب جامع، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۲ تا ۱۶ کتاب درسی)

برخی از فرهنگ‌ها ظرفیت جهانی شدن را ندارند. فرهنگ‌هایی که ارزش‌ها و عقاید آن‌ها ناظر به قوم و منطقه‌ی خاصی است و نگاهی سلطه‌جویانه نیز نسبت به دیگر اقوام ندارند، از محدوده‌ی قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند.

مسئولیت و تعهد از جمله ارزش‌هایی است که یک فرهنگ را در برابر فرهنگ‌های رقیب، مقاوم می‌سازد و زمینه‌ی گسترش فرهنگ را فراهم می‌کند.

۱۳۷-

(سؤال ۸۲ کتاب جامع، فرهنگ جهانی، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳ کتاب درسی)

فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن ناظر به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، با عبور از مرزهای جغرافیایی خود جهان را به مناطقی دوگانه تقسیم می‌کند. فرهنگ صهیونیسم، آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند.

۱۳۸-

(سؤال ۱۲۳ کتاب جامع، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۱۹ کتاب درسی)

در گونه‌شناسی فارابی، یکی از انواع جامعه‌ی جاهلی، مدینه‌ی تغلب است که عبارت است از جامعه‌ای که سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌داند. در بین گزینه‌ها، تنها گزینه‌ی دوم به سلطه‌ی یک جامعه بر جوامع دیگر اشاره می‌کند.

۱۳۹-

(سؤال ۱۲۵ کتاب جامع، نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱، صفحه‌ی ۱۹ و ۲۱ کتاب درسی)

مغولان با آن که مناطق وسیعی از جهان را با قدرت نظامی خود تصرف کردند ولی فرهنگ مغولان فرهنگی قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی لازم را برای یک فرهنگ جهانی نداشت. فارابی در گونه‌شناسی خود، یکی از انواع جوامع جاهلی را مدینه‌ی تغلب می‌نامد. مدینه‌ی تغلب جامعه‌ای است که سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌داند.

۱۴۰-

(سؤال ۲۵ کتاب جامع، جهان فرهنگی، صفحه‌ی ۵ کتاب درسی)

بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوعی خاص از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد پدید می‌آورد و به همان نوع، اجازه بروز و ظهور می‌دهد.



فلسفه

-۱۴۶

(ناهید بوهریان، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌ی ۱۲)

خصوصیات اشیاء عالم در علوم طبیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و فلسفه عهده‌دار بررسی و تحقیق درباره‌ی چنین خصوصیاتی نیست.

-۱۴۷

(دینیز پایدراری، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌ی ۱۲)

نام «مابعدالطبیعه» برگرفته از بخش فلسفی کتاب ارسطو است. از آن‌جا که این بخش از کتاب ارسطو بعد از کتاب فیزیک (طبیعت) قرار گرفته بود «متافیزیک» یا مابعدالطبیعه نامیده شد.

-۱۴۸

(هزبر ریمی، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌ی ۱۲)

الف) از دیرباز، سؤالات مهمی برای بشر مطرح بوده که به اصل هستی و وجود مربوط می‌شود، نه خصوصیات و ویژگی‌های یک وجود خاص
ب) فلسفه علم و فلسفه هنر از شاخه‌ها و فروع فلسفه اولی هستند.
ج) این‌که از ترکیب اتم‌های مختلف چه مولکولی تشکیل می‌شود، مربوط به علم شیمی است.

-۱۴۹

(دینیز پایدراری، چیستی فلسفه، صفحه‌ی ۶)

ملاصدرا فیلسوف بزرگ قرن دهم و یازدهم هجری می‌گوید: «مردم بر دو دسته‌اند: «واقف» (ایستاده) و «سائر» (رونده). «سائر» اهل حرکت و پویایی است و به شنیده‌ها بسنده نمی‌کند.» او در تلاش است که از تنگنای ظواهر و محسوسات عبور کند و به جهان وسیع معقولات راه یابد.

-۱۵۰

(فرهناز قان‌مهمری، چیستی فلسفه، صفحه‌ی ۹)

کاری که انسان در هنگام مواجهه با پرسش‌های فلسفی می‌کند تفکر و تأمل در اندیشه‌های خود است. عقل می‌کوشد در خود کاوش کند و با عمل تفکر و تعقل و با تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شود.

-۱۴۱

(عاطفه‌ربابه صالحی، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌ی ۱۳)

هر فیلسوفی می‌کوشد با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و با همان استدلال و منطق آن پاسخ را با دیگران در میان بگذارد.

-۱۴۲

(عاطفه‌ربابه صالحی، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌ی ۱۹ و ۲۰)

از نظر پارمنیدس، هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن. تالس می‌گوید: آب اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست. همه چیزها از آب ساخته شده است و به گمان او زمین نیز روی آب قرار گرفته است.

-۱۴۳

(فرهناز قان‌مهمری، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌ی ۱۴)

از دیدگاه افلاطون، عالم طبیعت برگرفته از عالم «مُثَل» است و نسبت عالم طبیعت به آن عالم، مانند سایه نسبت به صاحب سایه است.

-۱۴۴

(عاطفه‌ربابه صالحی، چیستی فلسفه، صفحه‌ی ۴)

سؤالی که در گزینه «۲» مطرح شده است، سؤالی فلسفی نمی‌باشد و مربوط به تاریخ است.

-۱۴۵

(ناهید بوهریان، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌ی ۱۷)

نمی‌توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی و مکانی آغازی تعیین کرد اما همانطور که در تاریخ فلسفه‌ها آمده است، گزارش‌های معتبر و قابل اعتمادی از جریان فلسفه در سرزمین آتن و تمدن یونان، در قرن‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد، در دست می‌باشد.



روان‌شناسی

-۱۵۱

(سوفیا فرقی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۸ و ۱۹)

منظور از «تعریف عملیاتی» این است که در روش علمی متغیر مورد نظر باید به صورت عینی و دقیق بررسی شود. بنابراین تعریف عملیاتی واژه قضاوت سخت‌تر است. به دلیل رعایت مسائل اخلاقی و نیز پیچیدگی پژوهش‌های مربوط به انسان، روش علمی همواره با محدودیت‌هایی مواجه است.

-۱۵۲

(سوفیا فرقی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۰)

جامع‌ترین تعریف روان‌شناسی عبارت است از «علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی (شناخت) که به هر نوع فعالیت مورد مشاهده جاندار «رفتار» می‌گویند. و واژه فرایندهای ذهنی، نیز به دلیل عدم مشاهده مستقیم بسیاری از رفتارها با واژه شناخت تعبیر می‌شود. بنابراین عبارت اول و سوم که غیرمستقیم است اشاره به فرایندهای ذهنی یا شناخت دارد و عبارت دوم که به صورت مستقیم است دلالت بر رفتار می‌کند.

-۱۵۳

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۰)

الف: دوقلوهای همسان هر دو از یک تخمک به وجود آمده‌اند.
ب: دوقلوهای همسان الزاماً هم‌جنس هستند.

-۱۵۴

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۰ و ۳۱)

کودک در ۱۵ ماهگی می‌تواند بدون کمک راه برود و به‌طور میانگین نوجوان در ۱۱ تا ۱۴ سالگی به بلوغ می‌رسد و عوامل وراثتی ایجادکننده صفاتی هستند که از قبل در فرد نهفته است.

-۱۵۵

(مهدی ابراهیم علی‌نژاد، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۷)

روان‌شناسی رشد، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ، در آدمی رخ می‌دهد مطالعه کند.

-۱۵۶

(مهدی ابراهیم علی‌نژاد، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۸)

هر فردی از ابتدای تشکیل نطفه خصوصیات ثابتی به دست می‌آورد یا برای شکل‌گیری خصوصیات در افراد به آموزش و محیط‌های مناسب نیاز است؛ روان‌شناسان رشد معتقدند ویژگی‌های افراد و تغییراتی که در طول دوره زندگی، از دوره جنینی تا دوره سالمندی، در افراد رخ می‌دهد می‌تواند معلول دو دسته عوامل وراثتی و محیطی باشد. بلند قد بودن تحت تأثیر تغذیه و ورزش و زودتر به بلوغ رسیدن، تحت تأثیر گرما، مربوط به عامل محیطی و داشتن خصوصیات ثابت از بدو تولد و راست دست بودن به علت ویژگی مشابه در اولیا تحت تأثیر عامل وراثت است.

-۱۵۷

(حامد مغربی سینگی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۵ و ۱۶)

فردی که با توجه به استدلال‌های منطقی و دلایل فلسفی جهان را منظم و قاعده‌مند می‌داند، از روش خردگرایانه برای کسب شناخت استفاده می‌کند. در روش خردگرایانه، با کمک فلسفه و روش‌های مبتنی بر منطق، به حقیقت چیزی پی می‌برند. فیلسوفان از این روش استفاده می‌کنند.

-۱۵۸

(حامد مغربی سینگی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۳)

نظریه‌ها دارای دو سطح «ظاهری» و «تجربی» هستند. سطح «ظاهری» یک نظریه، ساختار شکلی و نحوه نگارش آن است. منظور از سطح «تجربی» یک نظریه، تجربه‌پذیری و پژوهش‌پذیری آن است. نظریه‌ها با ترکیب اصول و قوانین مختلف به دست می‌آیند. برای مثال، وقتی همه اصول حافظه کنار یکدیگر بیایند، «نظریه‌های فراموشی» را شکل می‌دهند.

-۱۵۹

(مجتبی مهتائی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۷)

فرایند به جریان یک عمل اشاره دارد وقتی از مبدأ به سوی مقصد در حال حرکت هستیم جریان رسیدن به هدف را «فرایند» می‌گویند.

-۱۶۰

(مجتبی مهتائی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۸)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: روش علمی روش مورد نظر روان‌شناسان است.

گزینه «۲»: در تعریف عملیاتی متغیر مورد نظر باید به‌صورت عینی و دقیق تعریف شود.

گزینه «۳»: متغیر باید به صورتی تعریف شود که همه افراد با مطالعه تعریف متغیر مورد نظر به برداشت یکسان یا تقریباً یکسانی برسند.